

روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه

همايون رستمي*

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۳

سعید بهشتی**

تاریخ پذیرش: ۹۷/۹/۵

محسن ایمانی نائینی***

چکیده

هدف این پژوهش بررسی روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه است. روش بکار گرفته شده در این تحقیق، با توجه به ارتباط نزدیک و تنگاتنگ روش، هدف‌ها و ماهیت موضوع تحقیق، روش تحلیلی-استنباطی است. روش گردآوری مطالب، کتابخانه‌ای و بررسی اسناد، جامعه آماری شامل متن و ترجمه آیات قرآن و نامه یادشده است. در این پژوهش به دلیل لزوم جامعیت نمونه، نمونه‌گیری انجام نشده و کل جامعه آماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش تحلیل مفهومی استفاده شده، و با توجه به موضوع و هدف این پژوهش، از شیوه بررسی بافت یا سیاق مفهوم برای تحلیل مفاهیم بهره گرفته شده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه عبارت‌اند از موعظه، ارائه الگو، محبت، عبرت‌آموزی، توبه، و مراقبه و محاسبه.

کلیدواژگان: تربیت اخلاقی، قرآن، نهج البلاغه، روش‌های تربیت اخلاقی.

* دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات، گروه علوم تربیتی، تهران، ایران.

h5002ry@gmail.com

saeedbeheshti321@gmail.com

mohsenimai987@gmail.com

** استاد دانشگاه علامه طباطبائی.

*** دانشیار دانشگاه تربیت مدرس.

نویسنده مسئول: سعید بهشتی

مقدمه

«تربیت اخلاقی» به عنوان یکی از جلوه‌های متعالی تعلیم و تربیت در قرآن، که هدف اساسی آن رشد اخلاقی افراد است، به گونه‌ای که آنان را افرادی «نیک و خیر» بار آورد، امری است که مربیان و معلمان ناچارند مستقیم و یا غیر مستقیم، آن را مورد توجه قرار دهند. بر این اساس، نظام تعلیم و تربیت باید با الهام از آموزه‌های قرآن، با تلاش در راه تدوین اصول راهنمای عمل و روش‌های مؤثر و متناسب با وضعیت بومی و دگرگونی‌های محیطی، مربیان را در همه عرصه‌های تربیت و از جمله تربیت اخلاقی یاری کند؛ زیرا پویایی هر نظام تربیتی در این است که اصول، روش‌ها و کارکردهای خودش را از حالت ایستا خارج کند و بتواند هدف‌های خود را با دگرگونی‌های زمان و محیط، متناسب سازد. اما اینکه نظام تربیت اخلاقی در کشور اسلامی ایران بر اساس چه روش‌هایی می‌تواند به تربیت اخلاقی اقدام کند، در پرتو نگاه و تلاشی محققانه می‌توان به آن دست یافت.

جامعه امروز بشر دچار بحران هویت معنویت و اخلاق شده است. از این رو، امروزه نیاز بشر به تزکیه و پرورش با بهره‌گیری از آیات قرآن، به مراتب بیش از نیاز او به تعلیم و آموزش است. آموزه‌های قرآن و دین اسلام به تربیت جان و پرورش روح آدمی توجه خاصی دارد؛ زیرا انسان در پرتو تربیت نفس و تزکیه روح به مدد آیات قرآن، به مراحل کامل انسانیت دست می‌یابد و سرانجام به فلاح و سعادت ابدی نایل می‌شود. چنانکه حضرت علی(ع) می‌فرماید: «اگر فرضاً به بهشت امید نداشتیم و از آتش دوزخ نمی‌ترسیدیم و به ثواب هم عقیده نداشتیم، باز هم سزاوار بود که در جست‌وجوی مکارم اخلاق باشیم؛ زیرا مکارم اخلاق، راه پیروزی و سعادت را به انسان نشان می‌دهد» (نوری، ۱۳۶۸، ج ۲: ۲۸۳).

تربیت اخلاقی از مهم‌ترین هدف‌های بعثت پیامبران بوده است و جایگاه ویژه‌ای در قرآن و فرهنگ اسلامی و سیره و کلام معصومین(ع) دارد. این بحث، به ویژه مورد توجه خاص قرآن و نیز امام علی(ع) قرار گرفته و کم‌تر خطبه یا نامه‌ای از نهج البلاغه را می‌توان یافت که در آن، حضرت سخن از مسائل اخلاقی به میان نیاورده باشد. مطالعه، بررسی و تبیین روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن و نهج البلاغه به بخشی از سؤالات و

ابهامات درباره تربیت اخلاقی پاسخ می‌گوید، و اگر این بررسی و پژوهش در منابعی برجسته همچون قرآن و نهج البلاغه، و نیز بر اساس وصیت/امام علی(ع) به یکی از فرزندان بزرگوارشان صورت گیرد، با توجه به فرهنگ اسلامی حاکم بر جامعه ما، و پیروی از دستورات قرآن، پذیرش آن از طرف مخاطبان حتمی خواهد بود. یکی از مسائل مهم و قابل بررسی این است که نظام تعلیم و تربیت در کشور اسلامی ایران تا کنون چه بهره‌ای از قرآن و «منشور تربیتی امام علی(ع)» (بهشتی، احمد، ۱۳۸۹، ج ۳: ۲۱) در نهج البلاغه، یعنی نامه ۳۱ آن بزرگوار به/امام حسن مجتبی(ع) در راه ارائه راهکارهای مناسب برای تدوین نظام تربیت اخلاقی برده است؟

مسئله اساسی در این پژوهش، بررسی و تبیین روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن کریم و نامه ۳۱ نهج البلاغه است تا در پی آن برای تدوین نظام تربیت اخلاقی بر اساس آیات قرآن و توصیه‌های امیر مؤمنان/امام علی(ع) گامی برداشته شود و در راه پویایی نظام آموزش و پرورش و تربیت اخلاقی فرزندان جامعه اسلامی ایران بر اساس قرآن و نهج البلاغه اقدام شود؛ به ویژه که نظام تعلیم و تربیت کشورمان با توجه به ماهیت اسلامی و ایرانی آن، برای شکل‌گیری، تقویت و استحکام خود به آراء و اندیشه‌های برخاسته از متن قرآن و نهج البلاغه و فرهنگ و مکتب خود نیاز دارد. نیازی که برآورده نمودن آن، با الهام از قرآن و نهج البلاغه و سخنان/امام علی(ع) در منشور تربیتی‌شان در نامه ۳۱ نهج البلاغه، عملی است.

در بررسی پیشینه تحقیق - همانگونه که در ادامه خواهد آمد - می‌بینیم که پژوهشگران نتوانسته‌اند به پژوهشی با عنوان «روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه» دسترسی پیدا کنند. بر این اساس نتیجه می‌گیریم که هم در صحنه عمل، و هم در عرصه تحقیق و پیشینه تحقیقات مرتبط با موضوع این پژوهش، واقعاً خلأ و کاستی و چالشی جدی در کار است و باید با درانداختن طرحی نو، نظام تربیت اخلاقی در قرآن و منشور تربیتی/امام علی(ع) را تهیه و تدوین نمود. در این تحقیق برای بررسی و تبیین روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه تلاش شده است. با توجه به اینکه انتخاب روش تحقیق، به هدف و ماهیت تحقیق بستگی دارد و این پژوهش ماهیتی فلسفی دارد، و با عنایت به ارتباط نزدیک و

تنگاتنگ روش تحقیق، هدف‌ها و ماهیت موضوع این پژوهش، از روش تحلیلی-استنباطی استفاده شده است. مبنای این تحلیل و استنباط، متن نامه ۳۱ نهج البلاغه، ترجمه‌ها و تفسیرهای مختلف آن و یافتن موارد مشابه و مشترک در قرآن بوده است. روش گردآوری مطالب در این تحقیق بر اساس «روش کتابخانه‌ای و بررسی اسناد» است. در این پژوهش بر اساس پرسش‌های پژوهشی، از روش کتابخانه‌ای با فیش برداری استفاده شده است. مبنای کار بررسی آیات قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه بوده است. افزون بر آن، شرح‌ها و تفسیرهای آیات قرآن و نامه یادشده و منابع و پژوهش‌های معتبری که در آن‌ها به بررسی موضوعات مختلف آیات و نامه مورد نظر پرداخته شده، نیز برای فهم، تحلیل و تفسیر دقیق محتوای آیات و نامه یادشده به عنوان منابع دست دوم استفاده شده است.

جامعه آماری این پژوهش شامل متن و ترجمه آیات قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه است. در این پژوهش به دلیل لزوم جامعیت نمونه، نمونه‌گیری انجام نشده است و کل جامعه آماری مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است. همچنین برای تجزیه و تحلیل اطلاعات از روش «تحلیل مفهومی» استفاده شده است. برای دستیابی به روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه و استنتاج آن‌ها از روش استنباطی استفاده شد.

شیوه کار بدین صورت بوده است که در گام نخست، با تکیه بر گزاره‌های واقع‌نگر، دلالت‌های مربوط به تربیت اخلاقی از سیره و سخنان امام علی(ع) در نهج البلاغه و ترجمه‌ها و شرح‌ها و تفسیرهای آن، و نیز متن نامه ۳۱ نهج البلاغه و ترجمه‌ها و شرح‌ها و تفسیرهای مربوط به آن اخذ شد، و زمینه استنتاج مؤلفه‌های روش‌های تربیت اخلاقی از دیدگاه امیر مؤمنان(ع) فراهم شد، و آیات مربوط به مؤلفه‌های مذکور در قرآن نیز بررسی شد. از طریق تجزیه و تحلیل محتوای کیفی آیات قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه- که در آن مبنا و معیار به طور مشخص عقل، منطق، تفکر و استدلال است- دلالت‌های تربیت اخلاقی در این آیات و نیز نامه، استنباط و بر اساس مؤلفه‌های استنباط شده، و با توجه به هدف و سؤال تحقیق، روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه استخراج شد.

پیشینه تحقیق

در زمینه روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه، پژوهشگران به تحقیقی که به طور مستقیم در این باره انجام شده باشد دست نیافتند؛ اما درباره تربیت اخلاقی در نهج البلاغه و سیره و سخنان/امام علی(ع) این پژوهش‌ها انجام شده است:

ترک(۱۳۸۸) در پژوهش خود با عنوان «اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره و سخنان/امام علی(ع) و تبیین ارزش شناختی آن» به بررسی این سؤال پرداخته است که بر اساس کلام و سیره/امام علی(ع) چه اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی را می‌توان استنباط کرد؟ و در یافته‌های خود نشان داده است که هدف تربیت اخلاقی، نزدیکی به خداوند و کسب فضایل اخلاقی و کمالات الهی است. بر اساس این پژوهش، هشت اصل و هجده روش در تربیت اخلاقی از سیره و سخنان/امام علی(ع) استنباط شده است.

اقبالیان(۱۳۹۱) در پژوهشی به بررسی مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع) پرداخته و به سه مبنا، سه اصل و شش روش در تربیت اخلاقی دست یافته است. جوادی(۱۳۹۲) در پژوهش خود با عنوان «تربیت اخلاقی بر اساس تمثیل‌ها در کلام علوی»، پنج هدف، یازده اصل و بیست و دو روش تربیت اخلاقی را استنتاج کرده است. «سبک زندگی بر اساس آموزه‌های تربیت اخلاقی در نهج البلاغه» عنوان پژوهشی است به وسیله بنی/سدی(۱۳۹۳) انجام شده و در آن، سبک زندگی در دو حوزه فردی(شامل کردار اخلاقی و گفتار اخلاقی) و اجتماعی(شامل مؤلفه‌های ارتباط با عموم مردم، همسایگان، دوستان و خانواده) بررسی شده است.

هاشمی طامه(۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان «تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی(ع)» به سه مبنا، چهار هدف، هفت اصل، و چهارده روش در تربیت اخلاقی کودکان دست یافته است. در جمع بندی و ارزیابی پیشینه این پژوهش می‌توان گفت موضوع تربیت اخلاقی در منابع غنی دینی و اسلامی مورد توجه محققان و پژوهشگران بوده و در این زمینه تلاش‌هایی صورت گرفته است، و بخش‌هایی از ارکان نظام تربیت اخلاقی در

قرآن، نهج البلاغه، صحیفه سجادیه و سیره اهل بیت(ع) استخراج شده است، که هر یک از آن تلاش‌ها در جای خود در خور توجه است؛ اما:

۱. در هیچ یک از تحقیقات به عمل آمده، روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه به طور مستقل و مجزا ارائه نشده است.

۲. تحقیقات به عمل آمده در سطوح پایین‌تر از دوره دکتری، یعنی رساله این دوره یا مقاله‌های حاصل از آن، بوده است.

۳. در تحقیقات به عمل آمده با عنوان و موضوع تربیت اخلاقی در نهج البلاغه و نیز سیره و سخنان / امام علی(ع)، به طور کامل و مجزا به طرح و بررسی روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه - که منشور تربیتی امام(ع) است - پرداخته نشده است، و برای تهیه و تدوین این روش‌ها بر اساس آیات قرآن و آن نامه اقدامی نشده است.

۴. پرسش اصلی این تحقیق، یعنی امکان دستیابی به روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه، در هیچ یک از تحقیقات قبلی پاسخ داده نشده‌اند.

کاستی‌ها و ابهام‌های موجود در تحقیقات گذشته، و نیز عدم پاسخگویی پژوهش‌های به عمل آمده به پرسش‌های این تحقیق، محققان را به بررسی و تحقیق بیش‌تر برای استخراج و تهیه و تدوین روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه سوق داده است.

مفهوم‌شناسی

الف. تربیت اخلاقی

منظور از تربیت اخلاقی چگونگی بکارگیری و پرورش استعدادهای درونی انسان است در راه رشد و تثبیت صفات پسندیده اخلاقی و نیز شکوفاکردن ظرفیت‌ها برای انجام رفتارهای پسندیده اخلاقی و دوری از رذایل اخلاقی بر اساس دستورات قرآن و مضامین بلند نهج البلاغه. نتیجه این تلاش‌ها، به صورت ملکه درآمدن این ویژگی‌ها برای انسان است. «واژه‌های اخلاق و تربیت اخلاقی از نظر بعضی از متفکران شیعه، فرایندی است

که منجر به ایجاد عادت، طبیعت ثانوی و یا ملکاتی که با اختیار و تلاش پیگیر در روح بشر به وجود می‌آید» (مطهری، ۱۳۶۱: ۷۵-۷۴).

منظور از تربیت اخلاقی در این پژوهش، فرایند زمینه سازی و بکارگیری شیوه‌هایی با الهام از آموزه‌های مشترک قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه است برای ۱. شکوفاسازی، تقویت و ایجاد صفات، رفتارها، آداب و فضیلت‌های اخلاقی در افراد بر اساس قرآن و نهج البلاغه؛ ۲. اصلاح و از بین بردن صفات، رفتارها، آداب غیر اخلاقی و رذیلت‌ها در انسان بر مبنای آیات قرآن و مفاهیم بلند نهج البلاغه.

ب. روش تربیت

روش در لغت به معنای طرز، طریقه، قاعده و قانون، راه، هنجار، شیوه، اسلوب، سبک، طریقی، گونه، سنت، نمط، و آیین است. روش، راه و طریقه‌ای است میان اصل تا هدف، به منظور سامان‌دهی و تنظیم عمل تربیتی و رساندن آن به هدف. «روش تربیتی، راه رسیدن به یک هدف تربیتی است که در قلمرو تعلیم و تربیت، به عنوان یک علم دستوری و کاربردی، دربردارنده مفهوم "باید" است» (بهشتی، ۱۳۹۱: ۱۶۳). روش‌ها، دستورالعمل‌های جزئی‌ترند که هر یک یا هر دسته از آن‌ها ناشی از یک اصل است. در این پژوهش، روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نهج البلاغه به عنوان دستورالعمل‌های کاربردی در زمینه تربیت اخلاقی در آیات قرآن و نامه ۳۱/م/علی(ع) در نهج البلاغه تعریف می‌شوند که دربردارنده مفهوم «باید» هستند.

یکی از عناصر مهم در یک نظام تربیتی، که هدف‌های آن نظام در پرتو عمل به آن، تحقق می‌یابند، روش است. «روش تربیتی، راه رسیدن به هدف تربیتی است. روش، در قلمرو تعلیم و تربیت، به عنوان گونه‌ای علم دستوری و کاربردی، حاوی مفهوم "باید" است» (بهشتی، ۱۳۸۹: ۱۰۶). «هرگاه مربی بخواهد در چارچوب نظام تربیتی خاص و بر اساس اصول تربیتی پذیرفته شده در آن نظام، حالت یا صفت یا رفتاری را در مرتبه پایدار کند و یا مرتبه‌ای را بدان‌ها بیاراید و یا وی را از آن‌ها بپیراید، ناگزیر باید به گونه‌ای روشمند و بسامان، رفتاری ویژه پیشه کند، چنین رفتاری را می‌توان روش تربیت نامید» (رفیعی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۲۷۱). با توجه به این دو تعریف، می‌توان گفت روش تربیت،

مقوله‌ای رفتاری و دارای ماهیت دستوری است که بین اصول و هدف‌ها در امتداد است، و پای‌بندی متناسب به آن می‌تواند عمل تربیتی را بر اساس آیات قرآن و مفاهیم نهج البلاغه در نامه ۳۱ به گونه‌ای سر و سامان دهد و به پایان برساند که هدف مربی را از اقدام به عمل تربیتی در مورد متربی محقق کند.

یافته‌های پژوهش

روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه و با الهام از آیات قرآن و نیز سخنان امام علی (ع) در نهج البلاغه و منابع حدیث عبارت‌ند از موعظه، ارائه الگو، محبت، عبرت، توبه، و مراقبه و محاسبه.

روش موعظه

در قرآن کریم آمده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَ تَكْوِينُ مَوْعِظَةٍ مِنْ رَبِّكُمْ وَشِفَاءٌ لِمَا فِي الصُّدُورِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ﴾ (یونس / ۵۷): «ای مردم، همانا برای شما از جانب پروردگارتان موعظه‌ای آمد و درمانی برای آنچه در سینه‌هاست و هدایت و رحمتی برای مؤمنان». قرآن نصایح لقمان به پسرش را بیان می‌کند که حقیقت توحید را به او می‌آموزد و سپس او را دعوت به عمل می‌کند: ﴿أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلُكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ نَبْعَةً مِنَ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ مِنْ آيَاتِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ﴾ (لقمان / ۳۱): «آیا ندیده‌ای که کشتی به نعمت خدا در دریا روان می‌شود تا خدا پاره‌ای از آیات قدرت خود را به شما بنمایاند؟ در این، برای مردم شکیبایی سپاسگزار عبرت‌هاست». همچنین قرآن کریم از زبان حضرت نوح (ع) بیان می‌کند که فرمود: ﴿قَالَ يَا قَوْمِ إِنِّي كُنْتُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ﴾ (نوح / ۲): «گفت ای قوم من، من بیم‌دهنده‌ای روشن‌گرم».

حجم بسیار روایات معصومین (ع) که در منابع دینی با عناوینی از قبیل موعظ، حکم و نصایح نقل شده است بیانگر این امر است که آنان در تربیت اخلاقی از روش موعظه استفاده کرده‌اند. در نهج البلاغه و نامه ۳۱ آن و همچنین سایر سخنان امام علی (ع) نیز این روش تربیت اخلاقی به کار رفته است. از آن بزرگوار چنین روایت شده است:

«الْمَوْعِظَةُ النَّافِعُ مَا رَدَعُ»: «موعظه سودمند آن است که بازدارد» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۱: ۳۱۹).

امیر مؤمنان، امام علی (ع) در ذکر صفات رسول اکرم (ص) چنین می‌فرماید: «أَيُّهَا النَّاسُ اسْتَصْبِحُوا مِنْ شُعْلَةِ مِصْبَاحٍ وَأَعْظِ مُتَّعِظٍ، وَأَمْتَاخُوا مِنْ صَفْوِ عَيْنٍ قَدْ رُوِّقَتْ مِنَ الْكَدْرِ: «ای مردم از نور چراغ واعظی که خود به کمال رسیده است بهره‌گیرید و از چشمه‌ای که آب آن زلال است و املاح آن ته‌نشین شده آب بنوشید» (دشتی، ۱۳۹۳: ۱۳۷)؛ و در همین زمینه در خطبه‌ای دیگر می‌فرماید: «رَحِمَ اللَّهُ أَمْرًا سَمِعَ حُكْمًا فَوَعَى وَدَعِيَ إِلَى رِشَادٍ فَدَنَا وَأَخَذَ بِحُجْرَةِ هَادٍ فَجَا رَاقِبَ رَبِّهِ وَخَافَ ذَنْبَهُ قَدَمَ خَالِصًا وَعَمِلَ صَالِحًا»: «خدا رحمت کند کسی را که قانون (حرف حق و مطلبی آموزنده) را بشنود و حفظ کند، به طرف حقیقت دعوت شود و نزدیک شود، دامن راهنمایی را بگیرد و نجات یابد، خدا را ناظر خود بداند و از گناه خود بترسد، بهترین کارها را ذخیره خود قرار داده و عمل شایسته انجام دهد» (دشتی، ۱۳۹۳: ۸۹). حضرت علی (ع) در این کلام مبارک توصیه می‌فرماید که از نصایح و مواعظ بهره‌برداری کرده و آن‌ها را حفظ کنیم و بدین طریق به سمت حقیقت حرکت کرده و هدایت بشویم و از گمراهی و ضلالت نجات پیدا کنیم؛ علاوه بر این، به مؤمنین توصیه می‌کند که هر لحظه آمادگی پذیرش موعظه و نصیحت را داشته باشند و منتظر نباشند که مطالب را به روش‌های دیگری به ایشان تفهیم کنند: «وَلَا تَكُونَنَّ مِمَّنْ لَا تَنْفَعُهُ الْعِظَةُ إِلَّا إِذَا بَالَعَتْ فِي إِيْلَامِهِ فَإِنَّ الْعَاقِلَ يَتَّعِظُ بِالْأَدَابِ وَالْبَهَائِمَ لَا تَتَّعِظُ إِلَّا بِالضَّرْبِ»: «از کسانی مباش که پند وقتی در مغزش اثر می‌گذارد که او را شکنجه دهی، زیرا عاقل با رفتار مناسب پند می‌گیرد و چهار پایان فقط با کتک ادب می‌شوند» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۸۳).

از دیدگاه امام علی (ع)، موعظه و نصیحت، زنده‌کننده قلب انسان است. قلب انسان ممکن است پس از مدتی زنگار بگیرد. چیزی که می‌تواند این زنگار و کدورت را برطرف کند موعظه است: «إِنَّ هَذِهِ الْقُلُوبَ تَمَلُّ كَمَا تَمَلُّ الْأُبْدَانُ فَابْتَغُوا لَهَا طَرَائِفَ الْحِكْمَةِ»: «این قلب‌ها همان طوری که بدن‌ها خسته می‌شوند، ناراحت می‌گردند، برای رفع خستگی آن‌ها از کلمات پندآمیز انتخاب کنید» (دشتی، ۱۳۹۳: ۴۷۹). حضرت علی (ع) همچنین توصیه می‌کند که افراد بایستی پذیرای موعظه باشند و علاوه بر آن از

موعظه و نصیحت به دیگر برادران و خواهران دینی خویش مضایقه نکنند: «وَأْمَحْضُ أَخَاكَ النَّصِيحَةَ، حَسَنَةً كَأَنْتَ أَوْ قَبِيحَةً»: «از نصیحت خالصانه به برادرت خودداری مکن خواه پند در راه خیر باشد یا پرهیز از کار بد» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۸۱). امیر مؤمنان (ع) یکی از وظایف مربی و رهبر مردم را موعظه و نصیحت ایشان می‌داند و می‌فرماید: «فَأَمَّا حَقُّكُمْ عَلَىَّ فَالْنَّصِيحَةُ لَكُمْ وَتَوْفِيرُ فَيْئِكُمْ عَلَيْكُمْ وَتَعْلِيمُكُمْ كَيْلًا تَجْهَلُوا وَتَأْدِيبُكُمْ كَيْمًا تَعْلَمُوا»: «حق شما به عهده من این است که به شما پند و اندرز دهم و آنچه می‌دانم برای شما بگویم، غنیمت‌ها و درآمدها را افزایش دهم، آموزستان بدهم که نادان نمانید و شما را تأدیب کنم تا دانش بیاموزید» (دشتی، ۱۳۹۳: ۶۱).

با توجه به مفهوم موعظه، این روش راهی است در زدودن قساوت از دل و فراهم کردن زمینه لطافت آن در جهت دوری از زشتی و پلیدی و گرایش به زیبایی و نیکی. موعظه عامل بازدارنده از طغیان شهوات و موجب تسکین هواهای نفسانی است و از این رو بستر مناسب احیای دل آدمی و تربیت اخلاقی اوست. امیر مؤمنان / امام علی (ع) در نامه تربیتی خود به فرزندش / امام حسن (ع) او را سفارش کرده که قلبش را با موعظه جانبخش احیا کند: «أَخِي قَلْبَكَ بِالْمَوْعِظَةِ»: «دلت را به موعظه زنده دار» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۷۱). بر اساس آنچه درباره روش موعظه، به عنوان روشی در تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه، بیان شد، موعظه‌های رسا و شیوا از جانب واعظی جانبخش برای موعظه‌پذیران، ظلمت زدا و روح افزا و روشی نیکو در تربیت اخلاقی است، و در قرآن کریم و نهج البلاغه و نیز نامه ۳۱ آن به این روش توصیه شده است.

روش ارائه الگو

ارائه دادن الگو و سرمشقی که تمامی ویژگی‌های مورد انتظار مربی را در خود مجسم کرده باشد، از جمله روش‌های تربیت اخلاقی است. الگو و سرمشق از طریق فراهم نمودن امکان تقلید می‌تواند در تربیت اخلاقی افراد به ویژه در سنین پایین نقشی سازنده داشته باشد. قرآن کریم از دو پیامبر بزرگوار، یعنی حضرت نبی مکرم اسلام (ص) و حضرت /براهیم (ع)، با عنوان الگوی شایسته نام برده است. خداوند در قرآن کریم در مورد پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

﴿لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا﴾

(احزاب / ۲۱)

«مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود؛ برای آن‌ها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند» حضرت علی(ع) بر نقش الگو و سرمشق در تربیت تأکید، و تأسی به رفتار و اخلاق پیامبر و ائمه، بزرگان دین را به عنوان یک روش تربیتی توصیه می‌کند و می‌فرماید: «أَنْظَرُوا أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّكُمْ فَالْزَمُوا سَمْتَهُمْ وَاتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ»: «به اهل بیت پیامبران توجه کنید و جهت آنان را تعقیب کنید. هدف این خانواده را پیگیری کنید. این خانواده شما را از مسیر هدایت بیرون نمی‌برند و در طریق عقب باز نمی‌گردانند، اگر زمین‌گیر شدند شما هم بنشینید و اگر قیام کردند شما هم قیام کنید. از آنان سبقت نگیرید که گمراه می‌شوید و عقب نمانید که هلاک خواهید شد» (دشتی، ۱۳۹۳: ۱۲۹).

امام علی(ع) سیره رسول اکرم(ص) را برای سرمشق گرفتن کافی دانسته و فرموده است: «وَلَقَدْ كَانَ فِي رَسُولِ اللَّهِ (صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) كَافٍ لَكَ فِي الْأُسْوَةِ وَدَلِيلٌ لَكَ عَلَى دَمِّ الدُّنْيَا وَعَيْبِهَا»: «در زندگی رسول خدا(ص) سرمشق و راهنمایی برای تو درباره مذمت و عیب دنیا و زیادی ناراحتی و بدی آن وجود دارد» (دشتی، ۱۳۹۳: ۲۱۳).

یکی از سفارش‌های اکید امیر مؤمنان(ع) به فرزندان/امام حسن مجتبی(ع)، توصیه به سرمشق قرار دادن نیاکان و شایستگان دودمان خویش است که البته رسول اکرم(ص) و سایر معصومین(ع) نیز از آن جمله‌اند. حضرت علی(ع) چنین می‌فرماید: «وَاعْلَمُ يَا بُنَيَّ أَنَّ أَحَبَّ مَا أَنْتَ آخِذٌ بِهِ إِلَيَّ مِنْ وَصِيَّتِي تَقْوَى اللَّهِ: «فرزندم توجه داشته باشد که بهترین مطلبی که از سفارش من انتخاب می‌کنی این است که پرهیزگاری را پیشه خودسازی و به واجب‌ها اکتفا کنی و روش نیاکان و شایستگان دودمان خویش را پیشه خودسازی» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۷۳).

حضرت علی(ع) در مورد چگونگی تأثیر الگو و سرمشق در زندگی و رفتار افراد و پیروان می‌فرمایند که سرمشق بایستی خود عامل به تعالیم و متخلق به اخلاقیاتی باشد که قصد انتقال آن‌ها به متریبان را دارد، و تنها در چنین شرایطی قادر به ایفا نقش تربیتی مورد نظر خواهد بود. امام(ع) در این رابطه می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ

إِمَامًا فَلْيُبْدَأْ بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ وَلْيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسِيرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ: «کسی که می‌خواهد خود را پیشوای مردم معرفی کند باید قبل از اینکه به تعلیم دیگران پردازد، خود را تعلیم دهد. چنین فردی قبل از اینکه با زبان مردم را تعلیم دهد باید با اخلاق و روش خود آنان را هدایت کند» (دشتی، ۱۳۹۳: ۴۵۵).

همانگونه که بیان شد، ارائه الگو و سرمشق به عنوان یک روش تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه، در آیات قرآن و نیز در جای جای نهج البلاغه و سایر سخنان امیر مؤمنان، / امام علی (ع) همواره مورد تأکید و سفارش بوده است.

روش محبت

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن و نهج البلاغه، روش محبت است که بیش‌ترین تناسب را با فطرت آدمی و سرشت آدمی دارد. نیروی محبت در تربیت نیرویی برانگیزاننده و نقش آفرین است، و اگر درست و با اعتدال به کار گرفته شود تأثیری شگفت در خلق و خوی افراد و تحقق تربیت اخلاقی آنان دارد. مهربانی و عطف مرتبی نسبت به مرتبی یکی از روش‌هایی است که می‌تواند اثر بخشی بیش‌تر جریان تربیتی را در پی داشته باشد. هنگامی که بین معلم و متعلم یک رابطه عاطفی برقرار شود تعالیم مرتبی به طور طبیعی خیلی بهتر و بیش‌تر از سوی شاگرد پذیرفته می‌شوند. از سوی دیگر احترام مرتبی به شاگردان سبب استحکام و استمرار این رابطه می‌شود و به نافذ و عمیق بودن آن کمک می‌کند. در مقابل تحکم و زورمداری منجر به بروز بازخوردهای منفی در شاگرد شده و رابطه تربیتی را قطع می‌کند.

خداوند در قرآن کریم خطاب به پیامبر اکرم (ص) می‌فرماید:

﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (شوری / ۲۳)

اگر این آیه در کنار این دو آیه از قرآن قرار گیرد:

﴿مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ﴾ (سبا / ۴۷)

﴿إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا﴾ (فرقان / ۵۵)

معلوم می‌شود که محبت نزدیکان پیامبر (ص) یعنی ائمه اطهار (ع) راهی است برای رسیدن به کمال و قرب الهی. همچنین در قرآن کریم آمده است:

﴿فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ
وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُسَوِّكِينَ﴾ (آل
عمران / ۱۵۹)

«به سبب رحمت خداست که تو با آنها اینچنین خوش خوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس بر آنها ببخشای و برای‌شان آمرزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن، که خدا توکل‌کنندگان را دوست دارد»

حضرت علی(ع) به حکمران جامعه اسلامی به عنوان مرتبی، توصیه‌های فراوانی مبنی بر احترام به مردم و مهربانی به آنها و برقراری مساوات بین آنها به منظور برقراری یک رابطه مطلوب تربیتی نموده‌اند، و در نامه‌ای به محمد بن ابی بکر می‌نویسد: «فَاخْفِضْ لَهُمْ جَنَاحَكَ وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ وَأَبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَأَسِ بَيْنَهُمْ فِي اللَّحْظَةِ وَالنَّظَرَةِ»: «نسبت به مردم متواضع باش. به آنها احترام کن، با روی خوش با آنان برخورد کن، در نگاه کردن چه کم و چه با دقت میان آنان فرق مگذار» (دستی، ۱۳۹۳: ۳۶۳). امام علی(ع) در جای دیگر این نکته را چنین می‌فرماید: «وَأَخْفِضْ لِلرَّعِيَّةِ جَنَاحَكَ وَأَبْسُطْ لَهُمْ وَجْهَكَ وَأَلِنْ لَهُمْ جَانِبَكَ»: «نسبت به زیردستان تواضع کن، با آنان خوش برخورد باش، به آنها محبت کن» (دستی، ۱۳۹۳: ۳۹۷). حضرت در این زمینه به عبد الله بن عباس به هنگام انتصاب حکمرانی بصره چنین توصیه می‌فرماید: «سَعِ النَّاسَ بِوَجْهِكَ وَمَجْلِسِكَ وَحُكْمِكَ وَإِيَّاكَ وَالْغَضَبَ فَإِنَّهُ طَيْرَةٌ مِنَ الشَّيْطَانِ»: «با مردم در برخورد، نشست و برخاست و قضاوت (و ریاست) گشاده‌رو باش، از عصبانیت بپرهیز، زیرا غضب علامت حرکت شیطان است» (دستی، ۱۳۹۳: ۴۳۹).

گشاده‌روئی و سعه صدر و مهربانی مرتبی در برابر مرتبی می‌تواند خیلی زود تربیت را به هدف برساند، در حالی که عکس آن یعنی عصبانیت و غضب باعث غلبه شیطان شده و طبعاً تحقق هدف‌ها را با مشکل مواجه خواهد کرد. حضرت علی(ع) در مورد احترام بزرگ‌ترها یا مرتب‌یان به مرتب‌یان می‌فرماید: «لِيَتَأَسَّ صَغِيرُكُمْ بِكَبِيرِكُمْ وَلِيَرَأْفُ كَبِيرُكُمْ بِصَغِيرِكُمْ»: «کوچک شما باید از بزرگ شما پیروی کند، بزرگ شما باید به

کوچک شما مهربانی کند» (دشتی، ۱۳۹۳: ۲۲۷). نظر به وجود رابطه تربیتی بین هر فرد با خانواده، فرزندان و اطرافیان، حضرت احترام و اکرام اطرافیان را نیز توصیه نموده و فرموده است: «وَأَكْرِمْ عَشِيرَتَكَ فَإِنَّهُمْ جَنَاحَكَ الَّذِي بِهِ تَطِيرُ وَأَصْلُكَ الَّذِي إِلَيْهِ تَصِيرُ وَيَذُكَ الَّتِي بِهَا تَصُولُ»: «به خویشاوندان خود احترام کن، زیرا اقوام در حکم بال برای پرواز تو هستند، ریشه تو می‌باشند که به آن باز می‌گردد، و دست تو هستند که به واسطه آن‌ها به کار خود می‌رسی» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۸۳).

روش تربیتی محبت به ویژه در محیط و شرایط خانوادگی از کارآیی بسیار بالایی برخوردار است. این روش می‌تواند از طریق تأثیر بالقوه‌اش در رفتار و نگرش افراد آن‌ها را از انحراف و خطا بازدارد و به راه صحیح هدایت کند. نمونه‌های فراوانی از مهربانی و عطوفت رسول اکرم (ص) نسبت به کسانی موجود است که با تمامی توان خویش با آن حضرت مبارزه می‌کردند، ولی به دلیل تحمل و عطوفت آن بزرگوار، بالأخره به آن حضرت گرایش پیدا کرده‌اند. حضرت علی (ع) در نامه خود به امام حسن مجتبی (ع) چنین می‌نویسد: «وَلَنْ لِمَنْ غَالَطَكَ فَإِنَّهُ يُوشِكُ أَنْ يَلِينَ لَكَ وَخَذُ عَلَيَّ عَدْوًا بِالْفَضْلِ فَإِنَّهُ أَحْلَى الظَّفَرَيْنِ»: «با کسی که نسبت به تو بدرفتاری می‌کند خوش‌رفتاری کن، زیرا او هم به زودی نسبت به تو نرم خواهد شد. نسبت به دشمن خود محبت کن که همین لطف گام اول پیروزی است» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۸۱).

امام علی (ع) در سخنی دیگر چنین می‌فرماید: «التَّوَدُّدُ نِصْفُ الْعَقْلِ»: «محبت نمودن با مردم نصف عقل است» (دشتی، ۱۳۹۳: ۴۶۹). به طور کلی محبت و مهربانی روشی است که از طریق ایجاد تمایل درونی و قلبی در افراد نسبت به موضوع تربیت و عامل تربیت، امکان موفقیت هر شیوه تربیتی را افزایش می‌دهد، و بر ماست که با بهره‌گیری از این روش در تربیت اخلاقی در قرآن و نهج البلاغه، که بیش‌تر با جنبه‌های عاطفی و درونی افراد سر و کار دارد، برای تحقق هدف‌های تربیت اخلاقی تلاش کنیم.

روش عبرت‌آموزی

یکی از روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن و نهج البلاغه، روش عبرت‌آموزی است. ذکر مثل و داستان سرایی و بیان سرگذشت اقوام و امت‌های گذشته به منظور عبرت گرفتن

از آن‌ها، از جمله روش‌های پرکاربرد تربیتی است. قرآن کریم واژه عبرت و اعتبار را به کار برده و اهل بصیرت را بر آن ترغیب کرده است؛ از جمله در آیه‌ای در قرآن آمده است:

﴿فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ﴾ (حشر / ۲)

پس عبرت بگیرید ای اهل بصیرت

قرآن در جایی دیگر هدف از بیان داستان‌ها و وقایع تاریخی را عبرت پذیری می‌داند:

﴿لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِأُولِيَ الْأَلْبَابِ﴾ (یوسف / ۱۱۱)

«در سرگذشت آنان درس عبرتی برای صاحبان اندیشه بود»

حضرت علی(ع) که خود قرآن ناطق است با اشاره به برنامه عبرت آموزی قرآن، چنین می‌فرماید: «تَدَّبَّرُوا آيَاتِ الْقُرْآنِ وَاعْتَبِرُوا بِهِ فَإِنَّهُ أَلْبَغُ الْعِبَرِ» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۳: ۲۸۴): در آیه‌های قرآن بیندیشید و به (وسیله) آن پند بگیرید، زیرا که آیات قرآن رساترین عبرت‌هاست». امیر مؤمنان علی(ع) همگان را به عبرت گرفتن فرا خوانده و فرموده است: «فَاتَّعِظُوا بِالْعِبَرِ وَاعْتَبِرُوا بِالْغَيْرِ وَأَنْتَفِعُوا بِاللَّذُرِّ»: «پس، از آنچه مایه عبرت است پند بگیرید، و از گردش روزگار عبرت پذیرید، و از بیم دهندگان سود بگیرید» (دستی، ۱۳۹۳: ۲۰۹).

انسان می‌تواند با الهام از قرآن و نهج البلاغه، با مطالعه تاریخ گذشتگان، از تکرار بسیاری از امور نامطلوب که در گذشته انجام شده، و نیز از رذایل اخلاقی که منجر به بدکاری و بدنامی شده‌اند، پرهیز کند و بدین وسیله خود را از بهای گزافی که گذشتگان در جهت تجربه این امور پرداخته‌اند معاف گرداند. حضرت علی(ع) معتقد است که سرگذشت ملت‌های فعلی از بسیاری جهات با سرگذشت ملت‌های گذشته مشابه است و توجه به آن‌ها می‌تواند بصیرت‌های قابل توجهی را به دنبال داشته باشد. آن حضرت در این رابطه چنین می‌فرماید: «وَفِي آيَاتِكُمُ الْمَاضِينَ تَبَصْرَةٌ وَمَعْتَبَرٌ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ»: «در سرگذشت نیاکانتان بینائی و اندرز وجود دارد، به این شرط که درک داشته باشید» (دستی، ۱۳۹۳: ۱۳۱).

امیر مؤمنان / امام علی(ع) با ذکر نام برخی از اقوام گذشته سؤالاتی را مطرح می‌کنند که تعمق در آن‌ها و پاسخگویی بدان‌ها می‌تواند عبرت آموز باشد، از جمله این عبارت:

«أَيْنَ الْعَمَالِقَةِ وَأَبْنَاءِ الْعَمَالِقَةِ أَيْنَ الْفَرَاعِنَةَ وَأَبْنَاءَ الْفَرَاعِنَةَ أَيْنَ أَصْحَابِ مَدَائِنِ الرَّسِّ»: «از ملت‌های گذشته شما پند و اندرز دارید، عمالقه و فرزندان ایشان کجا رفتند؟ فرعونیان و وارثان آن‌ها چه شدند، مردم رس که پیامبران را می‌کشتند، قوانین پیامبران را زیر پا می‌گذاشتند و مقررات ستمگران را زنده می‌کردند کجا رفتند؟» (دشتی، ۱۳۹۳: ۲۴۹).

هدف حضرت علی(ع) از بیان و یادآوری عذاب‌ها و حوادثی را که به دنبال اعمال ناشایسته آمده‌اند، هشدار دادن به ما برای تکرار نکردن آن‌هاست. آن حضرت این نکته را چنین متذکر می‌شود: «فَاعْتَبِرُوا بِمَا أَصَابَ الْأُمَّمَ الْمُسْتَكْبِرِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنْ بَأْسِ اللَّهِ وَصَوْلَاتِهِ وَوَقَائِعِهِ وَمَثَلَاتِهِ»: «تکلیف شما این است که از حوادثی که متوجه خودخواهان ملت‌های گذشته شده، ضربه‌های الهی، حمله‌های خدایی، وقایع و حوادث آن عبرت بگیرید» (دشتی، ۱۳۹۳: ۲۷۵). به علاوه حضرت علی(ع) به بیان مشکلات و مصائب مؤمنین گذشته می‌پردازد و می‌خواهد با ذکر آن‌ها علاوه بر اندرز دادن به مؤمنین، صبر و استقامت را در آن‌ها تقویت کند؛ آن حضرت می‌فرماید: «وَتَدَبَّرُوا أحوَالَ الْمَاضِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ قَبْلَكُمْ»: «در احوال مؤمنین که قبل از شما زندگی می‌کردند دقت کند که در مشکلات و بلاها چگونه بوده‌اند، آیا از نظر سختی و بلا شدیدترین افراد نبودند؟ آیا از نظر وضع زندگی بیچاره‌ترین مردم عصر خود نبودند؟» (دشتی، ۱۳۹۳: ۲۷۵).

امیر مؤمنان(ع) در ارتباط با تربیت نفس به فرزند بزرگوار خویش حضرت مجتبی(ع) یادآوری سرگذشت اقوام پیشین و سیر در سرزمین و آثار بر جای مانده از ایشان توصیه می‌نماید و چنین می‌نویسد: «وَاعْرِضْ عَلَيْهِ أَخْبَارَ الْمَاضِينَ وَذَكْرَهُ بِمَا أَصَابَ مَنْ كَانَ قَبْلَكَ مِنَ الْأَوَّلِينَ وَسِرِّ فِي دِيَارِهِمْ وَأَثَارِهِمْ»: «سرگذشت و اخبار گذشتگان را بر قلب خود عرضه کن و حوادثی را که به ملت‌های گذشته رسیده است به خاطرش بیاور ... در سرزمین و آثار ایشان گردش کن» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۷۱). البته منظور از این گردش و تفحص در سرزمین و آثار ایشان، عبرت گرفتن است و اینکه انسان باور کند که روزی بایستی تمامی ثروت و اندوخته‌ها را رها کرده و رهسپار جهان دیگر بشود. انسان با دیدن کاخ‌ها و منازل مردگان می‌تواند فناپذیری دنیا را باور کند. حضرت علی(ع) می‌فرماید: «فَاعْتَبِرُوا بِنُزُولِكُمْ مَنَازِلَ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ

وَأَنْقِطَاعِكُمْ عَنْ أَوْصَلِ إِخْوَانِكُمْ»: «از انتقال به خانه‌ها و سکونت در منزل‌های که صاحبان آن‌ها مرده‌اند و از وفادارترین و نزدیک‌ترین دوستان بریده‌اند پند بگیرید» (دستی، ۱۳۹۳: ۱۵۹). بر اساس آنچه درباره روش عبرت به عنوان روشی در تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه آمد، باید به همه چیز با دیده عبرت نگاه کنیم تا حال و آینده خود را به درستی بنا کنیم؛ و این روشی نیکو در اصلاح و تربیت اخلاقی خود و دیگران است.

روش توبه

یکی از مهم‌ترین روش‌های تربیت، که در منابع دینی مخصوصاً قرآن و نهج البلاغه روی آن سخت تکیه و پافشاری شده است توبه و بازگشت به سوی خداوند متعال است. در قرآن کریم آمده است:

﴿وَتُوبُوا إِلَى اللَّهِ... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ (نور/۳۱)

«توبه کنید به سوی خدا شاید رستگار شوید»

در جایی دیگر در قرآن می‌خوانیم:

﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الشَّوَابِينَ وَيُحِبُّ الْمُسْطَهْرِينَ﴾ (بقره / ۲۲۲)

«به راستی خداوند توبه کنندگان و پاکان را دوست می‌دارد»

در آیه دیگری در قرآن چنین آمده است:

﴿إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ﴾ (مریم / ۶۹)

«مگر که توبه کند و ایمان بیاورد و عمل صالح انجام دهد، پس آنان داخل

بهشت می‌شوند»

توبه راه گشاده خروج از ظلمات به سوی نور، و لطف و رحمت پروردگار برای نجات و هدایت انسان است. این روش تربیت اخلاقی، در قرآن کریم و نیز در نامه ۳۱ نهج البلاغه، و نیز در سایر سخنان امیر مؤمنان، /امام علی(ع) مورد توجه قرار گرفته و توصیه شده است. «انسان هم در توفیق برای توبه به خدا نیازمند است و هم در پذیرش توبه و شمول غفران و پاک شدن از پلیدی‌ها و اسباب دوری از خدا» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۴: ۲۴۵)؛ یعنی «توبه بنده همیشه میان دو توبه از جانب خدای متعال قرار دارد، یکی بازگشتن خدای مهربان به سوی بنده خود از سر لطف و رحمت تا بنده توفیق استغفار و

توبه بیابد و دیگر بازگشتن دوباره خدا به بنده در اینکه او را بپذیرد و توبه‌اش را قبول نماید» (طباطبایی، ۱۳۹۳ق، ج ۱: ۱۳۳ و ج ۹: ۴۰۱).

بنا بر آیات قرآن کریم، خدای سبحان از سر رحمت بی انتهای خویش، دری گشاده را به سوی انسان قرار داده است تا هرگز نا امید نشود و در دوری و تباهی به سر نبرد. خدای رحمان آدمی را فرمان داده است تا او را بخواند و بدو بازگشت نماید و این همه را نیز خود عنایت می‌فرماید؛ و میان خود و انسان کسی را قرار نداده که حجاب و فاصله باشد و انسان را مجبور نساخته است که به شفیع و واسطه‌ای پناه ببرد؛ و در کیفر آدمی شتاب نمی‌کند و در انابت و توبت بر انسان عیب نمی‌گیرد. خدای رحمان در آنجا که انسان سزاوار رسوایی است، رسوایش نمی‌کند و برای توبه و بازگشت شرایطی سنگین قرار نداده است، بلکه باب توبه را کاملاً بر انسان گشوده است.

امیر مؤمنان علی(ع) در نامه تربیتی خود به فرزندش/امام حسن(ع) چنین فرموده است: «وَأَعْلَمُ أَنَّ الَّذِي بِيَدِهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ قَدْ أَذِنَ لَكَ فِي الدُّعَاءِ وَتَكْفُلَ لَكَ بِالْإِجَابَةِ وَأَمَرَكَ أَنْ تَسْأَلَ لِيُعْطِيكَ»: «و بدان! کسی که گنجینه‌های آسمان و زمین در دست اوست تو را در دعا رخصت داده و پذیرفتن دعایت را بر عهده نهاده، و تو را فرموده از او بخواهی تا به تو دهد» (دشتی، ۱۳۹۳: ۳۷۷).

«انسان نباید از توبه و بازگشت مأیوس گردد و باید هر مقدار که می‌تواند به تدارک آنچه از او رفته و آنچه بدان گرفتار شده است اقدام نماید، باید تلاش کند که خود را گرفتار پستی‌ها و اسیر تباهی‌ها نسازد، زیرا انجام ندادن گناه امری است عدمی و زحمتی ندارد، اما درخواست توبه و تدارک گذشته نیاز به تلاش و فراهم کردن امکانات دارد» (ابن میثم البحرانی، ۱۳۶۲، ج ۵: ۳۳۶)؛ چنانکه امیر مؤمنان علی(ع) بدین حقیقت توجه داده و فرموده است: «تَرَكَ الذَّنْبَ أَهْوَنُ مِنْ طَلَبِ الْمَعُونَةِ»: «دست از گناه برداشتن آسان‌تر است تا روی به توبه داشتن» (دشتی، ۱۳۹۳: ۴۷۵).

آنچه از آیات قرآن و سخنان و توصیه‌های امام علی(ع) در نامه ۳۱ نهج البلاغه، و سایر سخنان آن بزرگوار در نهج البلاغه و احادیث و روایات درباره توبه، به عنوان روشی مشترک در تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه برمی‌آید. این است که با بهره‌گیری از این روش تربیتی می‌توان در راه تحقق هدف‌های تربیت اخلاقی اقدام کرد.

روش مراقبه و محاسبه

مراقبه به معنای پاس داشتن خود و مراقب خود بودن، و محاسبه به معنای رسیدگی به حساب خویش و حساب خواهی و حسابرسی است. آدمی پیوسته در معرض اشتباه و گناه، و تباهی و پلیدی قرار می‌گیرد، بر این اساس لازم است خود حریم حقیقت خویش را پاس دارد و به حساب خویش توجه نماید، تا از لغزش خود جلوگیری نماید، یا در صورت لغزش، به سرعت بازآید و جبران سازد، که اگر آدمی خود بدین روش به اصلاح خود نپردازد، کسی نتواند او را اصلاح نماید.

قرآن در آیات متعدد موضوع حسابرسی قیامت را مطرح نموده است؛ از جمله در آیه‌ای در قرآن آمده است:

﴿وَلَنْ تُبَدُّوهُمَا فِي أَنْفُسِكُمْ أَوْ تَخْفَوْهُ يَحْسِبْكُمْ بِهِنَّ اللَّهُ﴾ (بقره / ۲۸۴)

«اگر آنچه را در نفس دارید ظاهر سازید یا مخفی کنید خدا شما را به آن حساب خواهد کرد»

در جایی دیگر در قرآن فرموده است:

﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقَسَطَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ﴾ (انبیاء / ۴۷)

«میزان‌های عدالت را در قیامت بر پا می‌داریم پس هیچ کس مورد ستم قرار نخواهد گرفت و اگر به مقدار یک مثقال از دانه خردل، عمل داشته باشد آن را برای حساب خواهیم آورد و خود ما برای حساب‌گری کافی هستیم»

امیر مؤمنان / امام علی (ع) فرموده است: «عِبَادَ اللَّهِ زِنُوا أَنْفُسَكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُوزَنُوا وَحَاسِبُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تُحَاسَبُوا»: «بندگان خدا خود را بسنجید قبل از آن که مورد سنجش قرار گیرید، پیش از آن که حسابتان را برسند حساب خود را برسید» (دشتی، ۱۳۹۳: ۱۰۹).

مراقبه و محاسبه یکی از روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن و نهج البلاغه است برای حفظ حقیقت آدمی و ارزش‌های والای انسانی و تداوم عمل ایمانی و بازگشت از اشتباه‌ها و گناه‌ها و تصحیح به موقع کردارها و رفتارها. در قرآن کریم آمده است:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ﴾ (مائده/ ۱۰۵)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به خود پردازید»

بنا بر آموزه‌های قرآن کریم و نهج البلاغه، انسان برای حرکت درست در مسیر کمال مطلق، نیازمند پاسبانی و مرزبانی خویش است. امیر مؤمنان، امام علی (ع) فرموده است: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ رِيحٌ وَمَنْ غَفَلَ عَنْهَا خَسِيرٌ»: «کسی که از خود حساب کشد، سود می‌برد، و آن که از خود غفلت کند زیان می‌بیند» (دستی، ۱۳۹۳: ۴۸۱).

غفلت و ظلمت آفات اساسی شکوفایی حقیقت آدمی است و روش مراقبه و محاسبه راهی است برای جلوگیری از فرو رفتن در غفلت و راهی برای بازگشت از ظلمت؛ و از این رو در به سامان آوردن آدمی و تربیت اخلاقی وی بسیار مؤثر است، چنانکه از امیر مؤمنان (ع) روایت شده است: «ثَمَرَةُ الْمُحَاسَبَةِ صَلَاحُ النَّفْسِ»: «ثمره و نتیجه (مراقبه و) محاسبه نفس به صلاح و سامان آوردن خویش است» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۳: ۳۴۴). بنابراین نباید از این روش غفلت ورزید و خود را از ثمرات تربیتی آن محروم نمود: «طُوبَى لِمَنْ ذَكَرَ الْمَعَادَ وَعَمِلَ لِلْحِسَابِ»: «خوشا به حال کسی که به یاد معاد باشد، برای حسابرسی قیامت کار کند» (دستی، ۱۳۹۳: ۴۵۱). تا انسان مالک خود نباشد، در تملک دیگران است و بی هویت محسوب می‌شود؛ در حالی که خدای متعال آدمی را بنده هیچ کس و هیچ چیز قرار نداده است تا با آزادگی به سوی او سیر کند و از کمالات الهی و فضایل اخلاقی برخوردار، و ربانی شود. تأکید بر مراقبه و محاسبه، در این راه، روشی مهم و مؤثر در تربیت اخلاقی آدمی است. امیر مؤمنان (ع) فرموده است: «قَيِّدُوا أَنْفُسَكُمْ بِالْمُحَاسَبَةِ، وَأَمْلِكُوهَا بِالْمُخَالَفَةِ»: «نفس‌های خود را با محاسبه در بند بکشید و با مخالفت (هوا و هوس) خود، آن‌ها را مالک شوید» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۴: ۵۱۱).

هر فردی «باید در هر شبانه روز وقتی را معین کند که در آن به حساب نفس خویش برسد و کرده‌ها و ناکرده‌ها، طاعت‌ها و معصیت‌ها را رسیدگی و حسابرسی نماید» (طوسی، ۱۳۶۱: ۸۷-۸۸)؛ و خود به حساب خویش برسد، پیش از آنکه فرصت‌ها بگذرند و امکان اصلاح و اقدام از آدمی گرفته شود، و دیگران به حسابش برسند. عقل و خرد اقتضا می‌کند که آدمی از فرصت داده شده در زندگی این جهانی به خوبی بهره‌برد؛ و انسان تا به عملکرد خود نپردازد و ضعف‌ها و قوت‌هایش را بررسی نکند، امکان

اصلاح و تصحیح مسیر و شکرگزاری نمی‌یابد. امیر مؤمنان (ع) در نامه تربیتی خود به فرزندش حسن (ع) چنین یادآور شده است: «بَادِرِ الْفُرْصَةَ قَبْلَ أَنْ تَكُونَ غُصَّةً»: «فرصت را غنیمت دان پیش از آنکه از دست برود و اندوهی گلوگیر شود» (دستی، ۱۳۹۳: ۳۸۱). یکی از عوامل تعیین کننده در سود و زیان آدمی در زندگی، رسیدگی به حساب خویش است. کسی که به حساب خود می‌رسد، می‌تواند از فرصت‌ها بهره‌مند شود و آن که در این امر سهل انگاری می‌کند و غفلت می‌ورزد، خود را تباه می‌سازد. البته این محاسبه باید به درستی صورت گیرد و در همه جوانب زندگی آدمی جاری شود. اگر انسان در این امر کوتاهی ورزد و نسبت بدان واکنشی مناسب نشان ندهد، زمینه گستاخی نفس اماره و تباهی خود را فراهم نماید. / امام علی (ع) در این باره هشدار می‌دهد و می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يَسْسُ نَفْسَهُ أَضَاعَهَا»: «هر که نفس خود را سیاست و تأدیب نکند، آن را تباه کرده است» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵: ۲۴۶).

طبیعت آدمی به گونه‌ای است که اگر به درستی تأدیب و تربیت نشود و در مسیر نادرست خود واگذاشته شود، دیگر اصلاح آن بسیار دشوار و حتی گاهی غیر ممکن می‌گردد. امیر مؤمنان (ع) چنین یادآور شده است: «مَنْ أَهْمَلَ نَفْسَهُ فِي لَذَاتِهَا شَقِيَ وَبَعُدَ»: «هر که نفس خود را در لذت‌های آن واگذارد، بدبخت شود و (از درگاه حق) دور گردد» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵: ۲۵۸). بنابراین روش مراقبه و محاسبه زمانی نتیجه می‌دهد و به بار می‌نشیند که پس از محاسبه نسبت به آنچه شرط شده است، در صورت کوتاهی و نافرمانی و پیمان شکنی، انسان در مقام اصلاح و جبران برآید.

/ امام علی (ع) فرموده است: «مَنْ حَاسَبَ نَفْسَهُ وَقَفَّ عَلَى غُيُوبِهِ، وَأَحَاطَ بِذُنُوبِهِ، وَاسْتَقَالَ الذُّنُوبَ، وَأَصْلَحَ الْعُيُوبَ»: «هر که نفس خود را مورد محاسبه قرار دهد، بر عیب‌های خویش آگاه شود و از گناهان خود مطلع گردد، و (باید) گناهان خود را بزدايد و عیوب خود را اصلاح نماید» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵: ۳۹۹). در این مرحله لازم است انسان به جبران کوتاهی و نافرمانی بپردازد و به تناسب خطا و گناهی که صورت گرفته است، بر اساس روش‌هایی درست، اصلاح‌گری نماید تا سیر حرکت تربیتی بسامان شود؛ به بیان امیر مؤمنان (ع): «مَنْ ذَمَّ نَفْسَهُ أَصْلَحَهَا»: «هر که نفس خود را نکوهش کند، آن را به اصلاح و سامان آورد» (خوانساری، ۱۳۶۰، ج ۵: ۴۴۵). با بررسی آیات قرآن و سخنان امام

علی(ع) در نهج البلاغه، و نیز احادیث و روایات مطرح در منابع حدیث، دریافتیم که مراقبه و محاسبه یکی از روش‌های تربیت اخلاقی مشترک در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه است. با بهره‌گیری از این روش می‌توان در راه تحقق هدف‌های تربیت اخلاقی در قرآن و این نامه گرانقدر در نهج البلاغه تلاش کرد.

نتیجه بحث

بررسی نظام تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه نشان می‌دهد که می‌توان روش‌های موعظه، ارائه الگو و سرمشق، محبت، عبرت، توبه، و مراقبه و محاسبه را به عنوان روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه یادشده استنباط و استخراج کرد. مقایسه یافته‌های این پژوهش با آنچه در پیشینه پژوهش معرفی شد نشان می‌دهد:

الف. برتری و تفاوت اساسی یافته‌های پژوهش حاضر در مقایسه با یافته‌های پژوهش‌های ترک(۱۳۸۸)، اقبالیان(۱۳۹۱)، جوادی(۱۳۹۲)، بنی‌اسدی(۱۳۹۳) و هاشمی طامه(۱۳۹۳)، تمرکز موضوع و هدف اصلی این پژوهش بر قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه است.

ب. یافته‌های پژوهش حاضر در استنتاج روش‌های مشترک تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه، با یافته‌های پژوهش بنی‌اسدی(۱۳۹۳)، که در آن روش‌های تربیت اخلاقی در نهج البلاغه بررسی نشده است، تفاوت اساسی دارد.

ج. یافته‌های این پژوهش در استنباط «موعظه» و «ارائه الگو» به عنوان روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه، با یافته‌های پژوهش‌های ترک(۱۳۸۸)، جوادی(۱۳۹۲) و هاشمی طامه(۱۳۹۳) همخوانی دارد که «موعظه» و «الگوسازی» را به عنوان روش‌های تربیت اخلاقی در سخنان امام علی(ع) معرفی کرده‌اند.

د. همچنین یافته‌های پژوهش حاضر در استنباط «عبرت‌آموزی»، «توبه»، و «مراقبه و محاسبه» به عنوان روش‌های تربیت اخلاقی در قرآن و نامه ۳۱ نهج البلاغه، با یافته‌های پژوهش‌های ترک(۱۳۸۸) و هاشمی طامه(۱۳۹۳) همخوانی دارد که «عبرت‌آموزی»، «توبه» و «محاسبه» را به عنوان روش‌های تربیت اخلاقی در سخنان امام علی(ع) معرفی کرده‌اند.

کتابنامه

قرآن مجید.

ابن میثم البحرانی، کمال الدین میثم بن علی. ۱۳۶۲ش، شرح نهج البلاغه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی. بهشتی، احمد. ۱۳۸۹ش، اندیشه سیاسی - تربیتی در نامه‌های نهج البلاغه، جلد سوم، قم: بوستان کتاب.

بهشتی، سعید. ۱۳۸۹ش، تأملات فلسفی در تعلیم و تربیت، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل. بهشتی، سعید. ۱۳۹۱ش، آیین خردپرووری: پژوهشی در نظام تربیت عقلانی بر مبنای سخنان امام علی(ع)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

خوانساری، جمال الدین محمد. ۱۳۶۰ش، شرح غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران.

دشتی، محمد. ۱۳۹۳ش، ترجمه نهج البلاغه، قم: محمد امین.

رفیعی، بهروز. ۱۳۸۱ش، آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن، جلد سوم، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و سمت.

طباطبایی، سیدمحمدحسین. ۱۳۹۳ق، المیزان فی تفسیر القرآن، قم: دار الکتاب الاسلامی.

طوسی، خواجه نصیر الدین. ۱۳۶۱ش، اوصاف الأشراف، مشهد: امام.

مطهری، مرتضی. ۱۳۶۱ش، فطرت، تهران: انجمن اسلامی دانشجویان مدرسه عالی ساختمان.

نوری، حسین بن محمدتقی. ۱۳۶۸ش، مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت.

مقالات

اقبالیان، طاهره. ۱۳۹۱ش، «مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر(ص) و اهل بیت(ع)»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده، دانشکده روان‌شناسی و علوم اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.

بنی اسدی، هما. ۱۳۹۳ش، «سبک زندگی بر اساس آموزه‌های تربیت اخلاقی در نهج البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

ترک، افسانه. ۱۳۸۸ش، «اهداف، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره و کلام امام علی(ع) و تبیین ارزش‌شناسی آن»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده، دانشکده علوم انسانی دانشگاه تربیت مدرس.

جوادی، ناصر. ۱۳۹۲ش، «تربیت اخلاقی بر اساس تمثیل‌ها در نهج البلاغه»، پایان‌نامه کارشناسی ارشد چاپ‌نشده، دانشکده علوم انسانی دانشگاه بوعلی سینا.

هاشمی طامه، منصوره سادات. ۱۳۹۳ش، «تربیت اخلاقی کودکان از دیدگاه امام علی»، پایان نامه کارشناسی ارشد چاپ نشده، دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

Bibliography

The Holy Quran

Ibn Maitham al-Bahrani, Kamal al-Deen Maitham bin Ali(1362). Description of Nahj al-Balaghah. Qom: Islamic Propagation Office

Eghbalian, Tahere(1391). Fundamentals, principles and methods of moral education in Prophet (PBUH) and Ahlul-Bayt (AS) Sire (Master's thesis undisclosed). Faculty of Psychology and Social Sciences, Islamic Azad University, Central Tehran Branch.

Bani asadi, Homa(1393). life style based on the teachings of moral education in Nahj al Balaghah(Master's thesis undisclosed). Faculty of Education and Psychology, Allameh Tabatabaei University.

Beheshti, Ahmad(1389). Political-Educational Thought In Nahj al-Balagh letters(Volume 3). Qom: Boostan Book

Beheshti, Saeed(1391). School of intellectual education. Tehran: Cultural Institute of Modern Science and Thought.

Beheshti, Saeed(1389). Philosophical meditations on education. Tehran: International Publishing Company

Tork, Afsane(1388). Fundamentals, principles and methods of moral education in Sire and the words of Imam Ali (as) (Master's thesis undisclosed). Faculty of Humanities, Tarbiat Modares University.

Javadi, Naser(1392). Moral education Based on allegories in Nahj al-Balaghah(Master's thesis undisclosed). Faculty of Humanities, Bu Ali Sina University.

Khansari, Jamaluddin Mohammad(1360). A description OF Ghorar al-hekam and Dorar al-kelam. Tehran: Tehran University.

Dashti, Mohammad(1393). Translation of Nahj al-Balaghah. Qom: Mohammad Amin.

Rafiei, Behruz(1381). Theories of Muslem Scientists in Educational and Its Principles(Volume 3). Qom: The Institute of Hawze and University & SAMT.

Tabatabae, Seyed Mohammad Hossein (1393 H-Gh). Al-Mizan. Qom: Islamic Publications

Tusi, Khaje Nasir al-Din(1361). Awsaf Al-Ashraf. Mashhad: Imam.

Motahhari, Morteza(1361). Fitrah. Tehran: Student Islamic Association.

Noori, Hussein ibn Mohammad Taghi(1368). Mustardak Al-Vasayel and Mostanbet Al-Masael. Qom: The Institute of All Al-Beit.

Hashemi Tame, Mansoore Sadat(1393). Children's moral education From Imam Ali's point of view(Master's thesis undisclosed). Faculty of Education and Psychology, Allameh Tabatabaei University.